

علیرضا تاج فیروز، مدیر کل ورزش و جوانان خراسان رضوی

شهادت به پاس خدمت

میلاد هشتمین امام، حکم ریاست جمهوری را تحویل بگیرند و در شب ولادت حضرت هم حکم شهادتشان امضا شود و قطعاً لیاقت چنین خدمتی به جز شهادت نیست. برای برخی آدم ها اگر مرگی غیر از شهادت اتفاق بیفتد، باور نکردنی است. یکی از برنامه هایی که ایشان به شدت پیگیر آن بودند نشاط و شادابی مردم بود و همیشه دغدغه ورزش و ارتقای زیرساخت های آن را داشتند. در همین راستا ورزشگاه امام رضا^(ع) در زمان تولیت ایشان به بهره برداری رسید. این را بدون اغراق می گویم که شاد کردن دل مردم و محرومان نیتی بود که همیشه برای رسیدن به آن تلاش می کردند و من ایمان دارم حالا هم به پاس این همه خدمت و فداکاری، شهادت نصیب و روزی شان شده است. امیدوارم با ائمه^(ع) و اولیایم نشین باشند و خدا به خانواده ایشان و ملت ایران هم صبری جزیل عنایت کند.

من سال ها معاون و بعد هم مدیر تربیت بدنی آستان قدس رضوی بودم و ارتباط کاری نزدیکی با آقای رئیسی داشتم. باید بگویم سید جزو معدود افرادی بودند که از همان زمان حضور در مجموعه مربوط به آستان قدس رضوی مخلصانه خدمت کردند و محبوب و مردمی بودند. این را بدون هیچ تعارف و اغراقی می گویم. خلوص، ساده زیستی و پشتکار و شبانه روزی کارکردن ایشان برای همه افرادی که از نزدیک سید را می شناختند، زبانزد بود. خود من بارها شاهد بودم که قبل از اذان صبح، در حرم مطهر بودند و بعد از نماز و عبادت کار را شروع می کردند و تا پایان شب مشغول بودند. بعد ها از نزدیکان و اطرافیان شان هم شنیدم که در دوران ریاست جمهوری همین طور هستند. باید بگویم از مسئولان کم نظیر بودند. قطعاً همین ویژگی ها باعث شده بود که هشتمین رئیس جمهور در شب



جعفر رئیسیان زاده، معاون خدمات اجتماعی بنیاد کرامت رضوی

کاش برایمان الگو شود

به امور خانواده زندانیان بود. چند ماهی از خدمت من گذشته بود که به تعطیلات سال نو رسیدیم. مشهد بودیم و مطلع شدم که آقای رئیسی به مشهد آمده اند و برای عرض تبریک خدمت ایشان رسیدیم. در ذهنم این بود که احتمالاً شرح وضعیت می خواهند و من می خواستم از کارشکنی هادر رسیدگی به وضعیت خانواده زندانیان گزارش بدهم. تصور این بود که یا موضع خاصی نمی گیرند یا منوط می کنند به بررسی های آینده. آنجا وقتی در جلسه از من سؤال کرد، از همه جزئیات گفتم. آقای رئیسی به شدت برافروخته شد و از چرایی پرسید. به من گفت: «محکم پای کارت بمان. من حامی تو هستم.» بعد از جلسه هم از صندلی بلند شد و تا جلوی در آمد و عین جمله اش این بود که آقای رئیسیان زاده اگر خانواده های زندانیان دچار فساد و خطایی بشوند، به خاطر این کمبودها من و شما باید آن دنیا جواب خدا را بدهیم. اگر می شود ابلاغ کرد و دستور داد، به من بگو که اعلام کنم. خودم را خیلی مکلف نکردم که نکات را پیگیری کنم و دوباره اطلاع بدهم؛ اما حدود ۱۰ روز بعد از دفتر ایشان تماس گرفتند و پیگیر شدند که حاج آقا گفتند گزارش چه شد. خیلی برایم جالب بود که پیگیر شده بودند و در جلسه بعدی هم در شهر دیگر شنیدم که پیگیر مشکلات زندانیان شدند تا جایی که مصوب شود. نه تنها از کنارشان نگذشت، بلکه برای پیگیری کردنش خودش ادامه داد. این رفتارها برای من فراموش نشدنی بود. ای کاش برایمان الگو شود. باور جای خالی ایشان برای همه ماست. ان شاء الله خداوند ایشان را هم نشین امام رضا^(ع) کند.

خاطره اولی که از ایشان به ذهنم می رسد مربوط است به زمانی که آقای رئیسی در مسئولیت ریاست قوه قضائیه بود. یک بار خدمت ایشان رسیدیم که بینیم آیا می شود از جانب آستان قدس کمک و همکاری با قوه قضائیه داشت یا خیر. ما حدود ساعت ۶ وعده داشتیم و از مشهد با یکی از رفقا راه افتاده بودیم. ماکمی زودتر از ساعت قرار رسیدیم. ربه رویمان افرادی نشسته بودند که مقامات کشوری ارگان های مختلف بودند و جلسه اضطراری داشتند با آقای رئیسی. همگی انتظار حضور ایشان را می کشیدیم. به ذهنم خطور کرد که اگر قرار باشد جلسه ای باشد، به طور حتم جلسه آن مسئولان به دلیل اهمیت امنیتی در اولویت برگزاری است و ما چند ساعتی منتظر خواهیم ماند. ساعت ۶ شد و ناگهان دیدیم در باز شد و آقای رئیسی بیرون آمد. کنارمان نشست و احوال پرسید گرمی کرد. گفتند من ساعت ۶ با شما قرار جلسه دارم و جلسه اضطراری اتفاق افتاده است. اگر شما راضی هستید اجازه می دهید ما جلسه را با این بزرگواران ادامه بدهیم. اما اگر ناراضی هستید، اول با شما صحبت کنم. ما از این برخورد حاج آقا متحیر شده بودیم و اصرار کردیم که مسئله مربوط به نظام است. وقتی رضایت ما را گرفتند، جلسه با آن ها برگزار شد. بعد از آن ملاقات مفصلی با ایشان داشتیم و این خاطره در ذهن ما باقی ماند که وقتی با کسی از قبل وعده دارد به حق الناس مردم اهمیت می دهد، آن هم در جایگاه رئیس یک قوه. این اقدام ایشان به عنوان یک مسئول در جای خودش بی نظیر است. خاطره دوم به زمان کار این جانب در قوه قضائیه برمی گردد. من به عنوان مدیر کل اقدامات حمایتی سازمان زندان های کشور انجام وظیفه می کردم. آنجا مسئولیت من رسیدگی

